

بررسی و نقد روش‌شناسی در کتاب التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب الجزء الثاني

نقد و بررسی کتاب

سعید بهمنی

◀ التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب؛ محمدهادی معرفه؛ مشهد: الجامعه الرضويه للعلوم الاسلاميه، ۱۳۸۴.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

اسلامی به خود جلب کرده است. از آنجا که گسترش مرزهای این دانش نوپا در مدرسه تفسیر، نیازمند شناخت مطالعاتی است که در این زمینه انجام شده است، بررسی و نقد منابع روش‌شناسی تفسیر و فهم قرآن کریم ضرورت پیدا می‌کند.

نگارنده امیدوار است از رهگذر بررسی و نقد آثار روش‌شناسی تفسیر و فهم قرآن کریم، زمینه‌های لازم برای دستیابی به اصول و چارچوب تبیین این دانش و الگوسازی (مدل‌سازی) برای گسترش آن فراهم شود. بدین منظور نخستین بررسی را به جلد دوم کتاب التفسیر و المفسرون آیت‌الله محمدهادی معرفت اختصاص داده‌ام. کتاب یادشده در دو جلد تدوین شده است. جلد نخست به «تاریخ تفسیر» و جلد دوم آن به «روش‌های تفسیر» می‌پردازد. مؤلف در جلد نخست نیز به شیوه‌های تفسیر در دوره‌های مختلف پرداخته است؛ اما تفاوت این دو جلد در آن است که در جلد نخست بیش از هر چیز بر نقش آفرینی مفسران تأکید شده؛ ولی در جلد دوم بیش از هر چیز درباره تفسیر و روش به‌کاررفته در آن بحث شده است. از این رو جلد دوم کتاب در سلسله مباحث «بررسی و نقد منابع روش‌شناسی تفسیر» قابل بررسی خواهد بود.

درباره مؤلف

آیت‌الله محمدهادی معرفت (متولد ۱۳۴۹ق/۱۳۰۹ش - درگذشته ۱۴۲۷ق/۱۳۸۵ش) در خاندانی از رجال دینی در کربلا متولد شد. از پنج سالگی تحصیل دروس دینی را آغاز کرد. در طول تحصیل از محضر پدرش شیخ علی بن میرزا محمد علی و از درس استادانی، مانند آیت‌الله سید محمد شیرازی، شیخ محمد خطیب، سید حسن

چکیده: روش‌شناسی تفسیر قرآن کریم در چند دهه اخیر، رشد قابل توجهی داشته و مورد توجه بسیاری از قرآن‌پژوهان قرار گرفته است. از سوی دیگر، از رهگذر بررسی و نقد آثار روش‌شناسی تفسیر و فهم قرآن، می‌توان امید داشت زمینه‌های لازم برای دستیابی به اصول و چارچوب تبیین این دانش و الگوسازی برای گسترش آن فراهم شود. نویسنده در نوشتار حاضر نخستین بررسی خود در این زمینه را به جلد دوم کتاب التفسیر و المفسرون آیت‌الله محمدهادی معرفت اختصاص داده است. با این هدف، پس از ذکر زندگی‌نامه مؤلف کتاب، به معرفی کتاب التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب و پیرایش‌های مختلف آن اقدام نموده است. نویسنده در ادامه، ساختار و محتوای کتاب را تبیین و تحلیل کرده و مطالب مربوط به روش‌شناسی تفسیر را در بوته نقد و بررسی قرار می‌دهد. وی با بیان چهار مؤلفه قابل نقد که عبارتند از: ۱. همسان‌نبودن ساختار معرفتی تفسیرها؛ ۲. محدودشدن تبیین روش هر تفسیر به ساختار تدوین و ویژگی‌هایی در محتوا؛ ۳. ناهماهنگی در بیان انواع تفسیر اجتهادی؛ ۴. کاستی در معرفی آیات الاحکام در دو قرن اخیر و در هر زمینه، پیشنهادات خویش را برای جبران کاستی‌ها ارائه می‌نماید. کلیدواژه: نقد روش‌شناسی تفسیر، کتاب التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، روش‌شناسی تفسیر قرآن، روش تفسیری.

درآمد

روش‌شناسی تفسیر و فهم متن، از جمله تفسیر و فهم قرآن کریم، یکی از زیرشاخه‌های علوم انسانی است؛ زیرا تفسیر و فهم یک فعل انسانی است و هر آنچه مربوط به فعل انسان است، در زمره علوم انسانی است. توجه به این تبارشناسی برای این است که بدانیم، انجام مطالعات روش‌شناسی تفسیر و فهم قرآن کریم، گام نهادن در مسیر تکامل علوم انسانی است.

روش‌شناسی تفسیر قرآن کریم، در چند دهه اخیر رشد قابل توجهی داشته است. این مبحث توجه بسیاری از قرآن‌پژوهان را در کشورهای

میرقزوینی و شیخ بیارجمندی خراسانی که از مشهورترین شاگردان ادیب نیشابوری بزرگ و نائینی بود، بهره مند شد.

وی در این مدت افزون بر تحصیل، به تدریس و تحقیق در ادبیات و علوم حوزه‌ای پرداخت و با همکاری برخی اهل علم، مجله *أجوبة المسائل الدينية* را تأسیس کرد.^۱ آیت الله معرفت برخی مقالات مهم خود در آن نشریه را بازنگاری و دوباره به چاپ رسانده است. از جمله مقالات بازنگاری شده، مقاله «ترجمة القرآن: الإمكانية، النقد، الضرورة» بوده است. در گفت و گویی که با مؤلف داشتیم، ایشان نگارش این مقاله در حدود پنجاه سال پیش را نخستین گام خود در پرداختن به علوم قرآنی می دانست که در نهایت به تدوین کتاب *التمهید فی علوم القرآن* انجامیده که حجم آن نزدیک به پنج هزار صفحه در قالب ده مجلد است.

ایشان پس از فوت پدر در سال ۱۳۸۰ق با هدف تکمیل دوره‌های تحصیلی خود به نجف اشرف مهاجرت می کند. در نجف از استادان بزرگی مانند آیات عظام سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خوئی و در اواخر حضور خود در نجف، از محضر سید روح الله خمینی بهره برد. وی درباره ویژگی هریک از این استادان بزرگ خود سخن گفته است. ایشان درباره امام خمینی می گوید:

امام خمینی با مهارت خاص خود در طرح آرای بزرگان و توانایی در نقد و تحلیل آن از دیگران ممتاز بود. او بر این اعتقاد بود که قدسیت منحصر در اقوال معصومان است و شاگردانش را بر این باور تربیت کرد. بله، اقوال و آرای بزرگان محترم است، در حالی که مقدس نیست. احترام این اقوال در نقد و تحلیل آن نهفته است، نه در قبول تعبدی آن. او با شایستگی تمام به نقد آرای بزرگان می پرداخت. هیچ‌گاه از پرسش و نقضی که شاگردان درباره مطالبش مطرح می کردند، نمی رنجید. به همین دلیل توانست شاگردانی دارای روح نقد و روشن فکری تربیت کند.^۲

مؤلف مدت مدیدی از محضر آیت الله خوئی صاحب تفسیر البیان استفاده کرده است. وی در مسئله جمع قرآن نظریه‌ای برخلاف استادش دارد. آیت الله معرفت بر جمع و تدوین قرآن در زمان عثمان اصرار دارد؛ ولی آیت الله خوئی بر جمع و تدوین قرآن در زمان پیامبر اکرم اصرار می ورزد.

نظریه آیت الله خوئی درباره جمع قرآن:

خلاصه تمام آنچه در فصول مختلف این بخش تا به اینجا گفته شد، این است که نسبت دادن جمع آوری قرآن به خلفا

۱. این مجله که مدت طولانی ای منتشر می شد، نیازهای مخاطبان آن دوره، به ویژه دانشجویان، به معارف دینی را برطرف می ساخت.

۲. معرفت، محمد هادی؛ التمهید فی علوم القرآن الجزء الأول؛ ص (د).

و دوران بعد از پیامبر، امری است موهوم و پنداری است غلط و بی اساس که با قرآن، سنت، اجماع و عقل مخالف است و طرفداران تحریف نمی توانند از این راه، نظریه غلط و بی اساس خویش را اثبات نمایند، بلکه چنان که در فصول پیش یاد آور شدیم، جمع قرآن در دوران خود پیامبر و به دستور و نظارت وی انجام گرفته است.

... آری، جای تردید و شک نیست که عثمان در دوران خویش قرآن را جمع آوری کرده است؛ ولی نه به آن معنی که سوره‌ها و آیات قرآن را در یک مصحف تدوین کند و از پراکندگی، به صورت مجموعه واحد در بیاورد، بلکه بدین معنی که او تمام مسلمانان را در قرائت یک قاری مخصوص، جمع و متحد نمود و تمام قرآن‌های دیگر را که با آن قرائت مورد نظر موافق نبود، سوزاند و به تمام بلاد و شهرها نوشت که چنین قرآن‌ها را بسوزانند و بدین وسیله مسلمانان را از هرگونه اختلاف قرائت نهی و منع کرد که آن را در اصطلاح «توحید المصاحف» می نامند.^۳

آیت الله معرفت در ابتدای مبحث «تاریخ قرآن» درباره جمع قرآن این گونه سخن آغاز می کند:

گردآوری قرآن در شکل فعلی، در نظم آیات و ترتیب سوره‌ها، همچنین در شکل و نقطه گذاری و فصل بندی آن به اجزا و مقاطع، تنها برآمده از یک عامل نیست. این شکل از قرآن در دوره نزول وحی این چنین به کمال نرسید. دوره‌ها و تغییراتی بر آن [شکل قرآن] گذشته که از دوره رسالت آغاز شده و در دوره یکسان سازی مصاحف در زمان عثمان به پایان می رسد. سپس به زمان خلیل بن احمد نحوی می رسد که ظاهر نگارش آن را به کمال رساند تا به وضعیت موجود درآمد.^۴

تا اینجا می توان مطالب آیت الله معرفت را همان چیزی دانست که آیت الله خوئی بیان کرده است؛ اما ایشان مطالب دیگری مطرح می کند

۳. خوئی، سید ابوالقاسم؛ بیان در علوم و مسائل کلی قرآن؛ ترجمه محمد صادق نجمی، هاشم هاشم زاده هریسی؛ ص ۳۲۳. خوئی، سید ابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۵۹. بحث بر سر دیدگاه‌های مربوط به جمع و تدوین قرآن یکی رایج ترین مباحث در علوم قرآنی در میان دانشجویان و محققین است. در میان اهل سنت مفسر فلسطینی محمد عزة دروزه (متولد ۱۹۵۰ م) نیز با نظریه آیت الله خوئی همراه است.

نظریه جمع قرآن در زمان پیامبر اکرم در میان خاورشناسان نیز طرفدارانی دارد. جان برتن در کتاب *The collocation of Qurqan* این نظریه را برگزیده است. هارولد موتسکی نیز در مقاله‌ای که در کتاب *سیره پژوهی در غرب با ویراستاری مرتضی کریمی نیا* به چاپ رسیده، نظر برتن را گزارش کرده است.

۴. معرفت، محمد هادی؛ التمهید فی علوم القرآن الجزء الأول؛ ص ۲۷۷. نظریه آیت الله معرفت با گرایش خاورشناسان در این زمینه هماهنگ است. همچنین می تواند زمینه را برای نظریات خاورشناسانی که شکل گیری قرآن کنونی را حتی تا سیصد سال پس از رحلت رسول خدا می دانند، فراهم می کند. (رک به: John wans Brough, Quranic studies, Oford university, 1977 press و بولتن مرجع، شماره ۶، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۸۰)

حقیقت تلخ آن بود که در آن زمان کتابخانه شیعه را فاقد یک بحث زنده درباره مسائل قرآنی می‌دیدم. این حالت هنگامی در من به وجود آمد که برای نگارش مقاله‌ای درباره ترجمه قرآن به کتابخانه تخصصی قرآن مراجعه کردم. کتاب‌های متعددی در این باره دیدم که برخی در دو جلد یا در قالب رساله و مقالاتی به نگارش عالمان معاصر مصری بود. این در حالی بود که درباره آن فقط یک صفحه از آیت‌الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء در حوزه نجف پیدا کردم. این امر من گران آمد. همین مرا به تکاپو واداشت تا به مطالعه نظریات در این باره پردازم و آرا و اقوال دانشمندان پیشین در عرصه مسائل قرآنی را گسترش دهم. کتاب التمهید نتیجه آن انگیزه و کوشش است.^۸

مؤلف در سال ۱۳۹۲ق به دستور حکومت بعثی، مبنی بر خروج ایرانیان از عراق، به قم می‌آید و درس، تدریس و تحقیقات خود را در قم ادامه می‌دهد. در سال ۱۳۹۹ق جلد سوم التمهید را منتشر می‌کند. سپس به همت مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم تا جلد هفتم منتشر می‌شود. همزمان با انتشار مجلدات التمهید، به تدریس آن در حوزه‌های علمیه و دانشکده‌های الهیات و علوم قرآن و حدیث می‌پردازد.^۹

دیدگاه‌های پس از رحلت این محقق قرآن‌پژوه در سال ۱۳۸۵ش شاگردان آن استاد گران قدر بیش از گذشته به معرفی و تبیین ایشان پرداختند. مجموعه پنج جلدی معرفت قرآنی یکی از جامع‌ترین مطالبی است که به کوشش گروه قرآن‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی فراهم شده است. این مجموعه، شخصیت، آثار و دیدگاه‌های استاد معرفت را به تفصیل معرفی کرده است.^{۱۰} همچنین مؤسسه فرهنگی تمهید چاپ و نشر آثار قرآنی ایشان را وجهه همت خود قرار می‌دهد. تفسیر اثری جامع در زمره آخرین آثار ایشان است که پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تکمیل مجلدات آن را در دستور کار خود قرار داده. گفتنی است، تکمیل این اثر بر اساس فیش‌هایی است که در زمان حیات استاد معرفت زیر نظر ایشان جمع‌آوری شده است. تعداد فیش‌های پیش‌گفته نزدیک به هفتاد هزار فیش است و پیش‌بینی می‌شود تعداد مجلدات این تفسیر روایی به چهل مجلد برسد.

معرفی و تحلیل

معرفی کتاب التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب^{۱۱} ویرایش‌های مختلف آن

که نظریه او در این باره در نقطه مقابل نظریه استادش قرار می‌گیرد. او در ضمن طرح دو مبحث درباره نظم کلمات و آیات قرآن، نظم کلمات هر آیه و آیات درون سوره‌ها را از زمان پیامبر اکرم دانسته؛ ولی معتقد است، نظم سوره‌ها پس از ایشان و به وسیله‌ی دیگران انجام شده است. سپس درباره‌ی ترتیب سوره‌ها می‌گوید:

اما جمع سوره‌ها و مرتب کردن آن به صورت این مصحفی که بین دو جلد قرار گرفته، پس از وفات پیامبر به دست آمده است؛ زیرا دوره پیامبر به پایان رسید، در حالی که قرآن نوشته شده بر چوب نخل و سنگ نوشته‌ها و بر روی پوست و استخوان کتف و دنده‌ها و برخی [صفحات] ابریشم و کاغذ و سینه حافظان قرآن، پراکنده بود.^۵

آیت‌الله معرفت خلاصه دلایل ششگانه استاد خود آیت‌الله خوبی را درباره جمع سوره‌های قرآن در زمان پیامبر اکرم نقل می‌کند. آن‌گاه در نقد نظریه ایشان چنین می‌گوید:

ولی لازم است بدانیم که ماجرای جمع قرآن، یک حادثه تاریخی است، نه یک مسئله عقلانی که بتوان در آن به بحث و جدل پرداخت؛ بنابراین، لازم است [در این مسئله تاریخی] بدون اینکه نیازی به پردازش فکری داشته باشد، به متون مستند تاریخی مراجعه شود.^۶

سپس نظر خود در این باره را این‌گونه بیان می‌کند:

پیش از این گفتیم که تاریخ‌نگاران، سیره‌نویسان و نگارندگان اخبار امت‌ها اتفاق نظر دارند و همه محدثان و راویان نیز با آنها توافق دارند که چنین سوره‌های قرآن چیزی است که پس از وفات پیامبر ایجاد شده و به ترتیب نزول سوره‌ها نیست.^۷

نمونه یادشده بیانگر استقلال رأی آیت‌الله معرفت، حتی در برابر دیدگاه‌های استاد ارجمند خود آیت‌الله خوبی است. وی در تمام مدت تحصیل از انجام تحقیق و تدوین مقالات علمی غفلت نکرد. افزون بر مقالات چاپ شده در مجله أجوبة المسائل الدینیة، نگارش دو کتاب تناسخ الأرواح در رد نظریه تناسخ و تمهید القواعد که در بردارنده تقریرات درس آیت‌الله خوبی است، از جمله نتایج تحقیقات در این دوره به شمار می‌آید.

آیت‌الله معرفت انگیزه خود از انجام مطالعات و تحقیقات قرآنی در کنار فقه و اصول را این‌گونه بیان می‌کند:

برخوردن من با یک حقیقت تلخ در ضمن مراجعه و مطالعاتم برای آمادگی تدریس تفسیر، انگیزه پرداختن به مسائل قرآنی شد.

۵. معرفت، محمدهادی؛ التمهید فی علوم القرآن؛ الجزء الأول، ص ۲۸۵.

۶. همان، ص ۲۸۹.

۷. همان، ص ۲۸۹.

۸. همان، ص (ز).

۹. در این دوره است که گرایش به قرآن کریم و علوم قرآنی رو به فزونی است. در حوزه حلقه‌های درسی متعددی شکل می‌گیرد و در دانشگاه دانشکده و رشته‌های گوناگون قرآنی تأسیس می‌شود.

۱۰. نصیری، علی؛ معرفت قرآنی؛ یادنگار آیت‌الله محمدهادی معرفت (ره). مجموعه یادشده شامل مقالات متعدد در باره شخصیت و آرا و آثار آیت‌الله معرفت است.

۱۱. پیش از چاپ کتاب یادشده، در سال ۱۳۷۶ش ضمن دیدار و گفت‌وگویی که در منزل استاد با ایشان داشتم، از تدوین کتابی نام می‌برد که آن را در پاسخ به ذهبی نوشته است. استاد می‌فرمود:

شیعه امامیه نسبت داده بود. امام علی را از نظر کثرت روایات تفسیری، بعد از ابن عباس و عبدالله بن مسعود قرار داده بود و افرادی چون عکرمه بربری، محمد بن کعب قرظی و شعبی قتاده لویی را مفسر یاد کرده بود؛ در حالی که از امام حسن و حسین و باقر و صادق یادی نکرده بود و این همه باعث شد آیت الله معرفت وارد میدان دفاع از شیعه شود و خلأ ناشی از نبود کتابی واقع‌گرا در این عرصه را پُر کند.^{۱۵}

وی سپس برخی آرای جدید آیت الله معرفت در تفسیر و علوم قرآنی در این کتاب را این‌گونه برشمرده است:

۱. تفاوت تفسیر و تأویل و توضیح چهارگونه تأویل؛
۲. مخالفت با وجود حقیقت قرآنی که مصداق تأویل قرآن در آیه **يَأْتِي تَأْوِيلُهُ** باشد؛^{۱۶}
۳. امکان فهم تأویل قرآن از سوی راسخان در علم و امکان کشف ضابطه‌هایی برای تأویل؛
۴. تفسیر تمام قرآن از سوی پیامبر و لحاظ کردن روایات ائمه اگر منسوب به پیامبر نکنند؛
۵. موقوف بودن روایات صحابه و ائمه در روایات پیامبر؛
۶. مطالب صحابه و تابعان حجت شرعی لازم الاتباع نیست؛
۷. توضیح اعتبار و حجیت روایات تفسیری ائمه اطهار و مشکل بی اعتباری برخی از کتب تفسیر روایی و خلط برخی مفسران میان تفسیر و تأویلات معصومان؛
۸. دفاع از برخی تابعان و تابعان تابعان، مانند عکرمه، حسن بصری و...؛
۹. عرضه معیار برای تشخیص روایات معتبر و قابل استناد در حوزه تفسیر؛
۱۰. تأکید بر ارزش تفسیر ابوالفتوح رازی، فخر رازی و تقویت احتمال شیعه بودن آن دو.^{۱۷}

تحلیل

آیت الله معرفت کتاب التفسیر والمفسرون الجزء الثاني را با مبحث «تفسیر در عهد تدوین» آغاز می‌کند. این مبحث، تفسیر در همه ادوار پس از عهد رسالت تا کنون را بررسی کرده و مطالب را در دو قسمت اصلی سامان داده است. قسمت نخست: «تفسیر نقلی: انواع تفسیر نقلی» و قسمت دوم: «تفسیر اجتهادی» نام دارد. با این رویکرد، مؤلف همه انواع روش‌های تفسیری پس از عهد رسالت را به دو نوع جمع‌بندی کرده است: «نوع اول: تفسیر نقلی» و «نوع دوم: تفسیر اجتهادی». این دو

کتاب التفسیر والمفسرون پس از نگارش و چاپ، به وسیله آقایان علی خیاط و علی نصیری ترجمه شد و مؤسسه فرهنگی تمهید در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ ش به ترتیب جلد نخست و دوم آن را منتشر کرده است. همین مؤسسه کتاب مذکور را در ضمن دوره جدید التمهید فی علوم القرآن در جلد نهم و دهم نیز به چاپ رسانده است.

متن اصلی در این بررسی و نقد، همان کتاب التفسیر والمفسرون الجزء الثاني است. با این حال، به منظور بررسی همه جانبه اثر آیت الله معرفت هر سه کتاب بررسی شده است؛ یعنی التفسیر والمفسرون الجزء الثاني که در دانشگاه علوم اسلامی رضوی چاپ شده، ترجمه آن به نام تفسیر و مفسران جلد دوم و التمهید فی علوم القرآن الجزء العاشر که در مؤسسه فرهنگی التمهید چاپ شده است. این کتاب‌ها در بین سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۶ ش به چاپ رسیده‌اند. در کتاب‌های یادشده تفاوت‌هایی در محتوا و ساختار به چشم می‌خورد که به برخی از آنها در ضمن بررسی اشاره خواهد شد. دو تفاوت مهم این کتاب‌ها عبارت است از:

۱. مطالب طرح‌شده درباره مبحث «تفسیر در عصر جدید» در کتاب التفسیر والمفسرون الجزء الثاني محدودتر از ترجمه است؛ زیرا در ترجمه سه عنوان «شیوه سیاسی انحرافی»، «شیوه عقلی افراطی» و «تفسیر بر حسب ترتیب نزول» بدان افزوده شده است.
۲. در کتاب التفسیر والمفسرون الجزء الثاني بحثی با عنوان «تفسیر موضوعی» وجود ندارد؛ در حالی که در ترجمه آن، این بحث در فصل چهاردهم، ۲۵ صفحه را به خود اختصاص داده است.^{۱۲} در کتاب التمهید فی علوم القرآن الجزء العاشر نیز بحث «تفسیر موضوعی» آمده و نه صفحه را به خود اختصاص داده است.^{۱۳}

محمد عابدی میانجی یکی از پژوهشگران حوزه علمیه در مقاله «کتابشناسی تفصیلی آیت الله معرفت»^{۱۴} که در مجموعه معرفت قرآنی، یادنگار آیات الله محمد هادی معرفت (ره) چاپ شده، درباره کتاب التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب می‌گوید:

این کتاب پاسخی به التفسیر والمفسرون محمد حسین ذهبی است که در کتاب خود آثار تفسیرگونه فرقه بابیه را به

«در کتاب ذهبی مطالبی است که هر محقق منصفی را می‌رنجاند». وی به ویژه تأکید داشت: «اشتباهات و نارسایی‌های فراوانی در نوشته‌های ذهبی به ویژه در باره روش و تفاسیر شیعی وجود دارد که لازم است به آنها پاسخ داده شود». استاد با شادمانی و خرسندی از چاپ و انتشار قریب الوقوع کتابی خبر می‌داد که اشتباهات و آسیب‌های وارده از سوی ذهبی را جبران می‌کرد و به اشکالات او پاسخ می‌داد. یک سال بعد کتاب یادشده از سوی دانشگاه علوم اسلامی رضوی چاپ و به جامعه علمی تقدیم شد.

۱۲. معرفت، محمد هادی؛ تفسیر و مفسران؛ ج ۲، ص ۵۲۶ - ۵۵۵. احتمالاً مترجمان کتاب، مطالب مربوط به فصل چهاردهم را به طور مستقیم از استاد معرفت دریافت کرده سپس ترجمه و با نظر استاد آن را با عنوان فصل چهاردهم قرار داده‌اند.

۱۳. معرفت، محمد هادی؛ التمهید فی علوم القرآن؛ الجزء العاشر، ص ۵۱۹ - ۵۲۷.

۱۴. نصیری، علی؛ معرفت قرآنی؛ یادنگار آیت الله محمد هادی معرفت (ره)، ج ۱، ص ۴۰۴ - ۴۸۳.

نوع به نوبه خود دارای زیرمجموعه‌های متعددی هستند که بیشتر آنها در این کتاب به ترتیب تاریخ بررسی شده‌اند.

ایشان در «النمط الأول: قسمت نخست»، انواع تفسیر مآثور (نقلی) را در چهار قسم شمرده‌اند: ۱. تفسیر قرآن به قرآن؛ ۲. تفسیر قرآن به سنت؛ ۳. تفسیر قرآن به قول صحابی؛ ۴. تفسیر قرآن به قول تابعی. ^{۱۸} پس از بیان این اقسام، ذیل عنوان «موضع الحدیث من التفسیر: جایگاه حدیث در تفسیر»، نقش حدیث را تبیین می‌کند و در آن به اصلی‌ترین محل نزاع؛ یعنی مسئله حجت بودن خبر واحد در تفسیر قرآن می‌پردازد. پس از تحریر محل بحث و نقل اقوال، به داوری می‌نشیند و به حجت بودن خبر واحد ثقه در تفسیر، رأی می‌دهد. وی این حجت بودن را از باب تعبد نمی‌داند، بلکه آن را طریقی عقلایی و قابل اطمینان می‌داند که شارع آن را تأیید کرده است. ^{۱۹}

سپس بحثی با عنوان «آفت‌های تفسیر نقلی» گشوده و در آن به آسیب‌شناسی تفسیر نقلی پرداخته است که در نظری، سه آفت و آسیب اساسی این نوع تفسیر عبارتند از: ۱. ضعف سند؛ ۲. جعل حدیث در تفسیر که در این بحث، مهم‌ترین عوامل و انگیزه‌های جعل حدیث تفسیری، اقسام وضع‌کنندگان حدیث، بزرگ‌ترین و معروف‌ترین وضع‌کنندگان و انواع احادیث وضع شده گزارش و بررسی می‌شود؛ ۳. اسرائیلیات. وی مسئله اسرائیلیات را در حجمی برابر ۱۳۵ صفحه بررسی می‌کند و به تفصیل به اسرائیلیات در تفسیر و حدیث، معروف‌ترین روایات اسرائیلی، مبدأ نشر اسرائیلیات، اقسام اسرائیلیات و نمونه‌هایی از اسرائیلیات گسترش یافته در تفسیر می‌پردازد. ^{۲۰}

آخرین مبحثی که در بیان تفسیر نقلی مطرح شده، «مهم‌ترین کتاب‌های تفسیر نقلی» است. در این مبحث سی تفسیر از مهم‌ترین تفسیرهای نقلی به ترتیب تاریخ تألیف آنها گزارش و معرفی می‌شود. وی قبل از معرفی تفسیرهای نقلی، در مقدمه‌ای کوتاه، نگاهی گذرا به تاریخ تطور تفسیر نقلی دارد.

آیت‌الله معرفت بر این اعتقاد است که تفسیر نقلی در آغاز شکل‌گیری و تا مدتی طولانی مورد توجه عالمان و اهل حدیث بوده است؛ ولی با گسترش تحقیق و اجتهاد درباره ابعاد دین، به تدریج توجه به اهل تحقیق بیشتر شد تا آنجا که تفسیر نقلی کمتر مورد توجه قرار گرفت و حتی برخی از این نوع تفسیر، اعراض کردند. این امر سبب شد تا عالمانی به بازنگری، نقد و پالایش آن پرداخته و در نتیجه تفسیرهای جدیدی بر اساس تحقیق و پالایش احادیث تدوین شود. وی تفسیر المنار رشید

رضا و المیزان فی تفسیر القرآن علامه محمد حسین طباطبایی را دو نمونه برترین نوع تفسیر می‌داند. عنوان‌های سی تفسیر نقلی که در این قسمت گزارش و معرفی می‌شود عبارتند از: ۱. تفسیر مجاهد؛ ۲. تفسیر سُدی کبیر؛ ۳. تفسیر کلبی؛ ۴. تفسیر ابی حمزه؛ ۵. تفسیر ابن جریج؛ ۶. تفسیر مقاتل بن سلیمان؛ ۷. تفسیر ابی جارود؛ ۸. تفسیر عبد الرزاق صنعانی؛ ۹. جامع البیان طبری؛ ۱۰. تفسیر عیاشی؛ ۱۱.

تفسیر ابن ابی حاتم رازی؛ ۱۲. تفسیر قمی؛ ۱۳. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)؛ ۱۴. تفسیر ماوردی (الثکت و العیون)؛ ۱۵. تفسیر ابن عطیة (المحرز الوجیز)؛ ۱۶. تفسیر بَعَوی (معالم التنزیل)؛ ۱۷. تفسیر قرطبی (الجامع لأحكام القرآن)؛ ۱۸. تفسیر شیبانی (نهج البیان)؛ ۱۹. تفسیر خازن (لباب التأویل فی معانی التنزیل)؛ ۲۰. تفسیر ابن کثیر؛ ۲۱. تفسیر ثعلبی (الجواهر الحسان)؛ ۲۲. تفسیر سیوطی (الدر المنثور فی التفسیر المآثور)؛ ۲۳. منهج الصادقین؛ ۲۴. تفسیر صافی؛ ۲۵.

نمونه یاد شده بیانگر استقلال رأی آیت‌الله معرفت، حتی در برابر دیدگاه‌های استاد ارجمند خود آیت‌الله خویی است. وی در تمام مدت تحصیل از انجام تحقیق و تدوین مقالات علمی غفلت نکرد. افزون بر مقالات چاپ شده در مجله أجوبة المسائل الدینیة، نگارش دو کتاب تناسخ الأرواح در رد نظریه تناسخ و تمهید القواعد که در بردارنده تقریرات درس آیت‌الله خویی است، از جمله نتایج تحقیقات در این دوره به شمار می‌آید.

تفسیر بحرانی (البرهان)؛ ۲۶. تفسیر حویزی (نور الثقلین)؛ ۲۷. تفسیر مشهدی (کنز الدقائق و بحر الغرائب)؛ ۲۸. تفسیر شبر (الکبیر و الوسیط و الوجیز)؛ ۲۹. فتح القدیر نوشته‌ی شوکانی الزیدی؛ ۳۰. تفسیر برغانی (بحر العرفان). ^{۲۱}

صاحب التمهید در قسمت دوم، هشت قسم از اقسام تفسیر اجتهادی را به این شرح بر شمرده است: ۱. تفسیر فقهی (آیات الأحکام)؛ ۲. تفسیرهای جامع؛ ۳. تفسیر در دوره‌ی جدید؛ ۴. تفسیرهای ادبی؛ ۵. تفسیرهای لغوی؛ ۶. تفسیرهای مختصر؛ ۷. تفسیرهای عرفانی (تفسیرهای رمزی و اشاری)؛ ۸. تفسیر با رویکرد امروزی. ^{۲۲}

آیت‌الله معرفت تفسیر اجتهادی را این‌گونه تعریف می‌کند: تفسیر اجتهادی بیش از آنکه به نقل و آنچه رسیده تکیه کند، بر عقل و تحقیق استوار است. ^{۲۳}

وی بحث درباره انواع تفسیر اجتهادی را در چاپ دوم کتاب التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب الجزء الثاني و نیز در جلد دهم التمهید فی علوم القرآن الجزء الثاني (مناهج التفسیر)، با عنوان «تفسیر فقهی آیات

۲۱. معرفت، محمد هادی؛ همان، ص ۳۱۲ - ۳۴۶. محمد هادی، معرفت؛ التمهید فی علوم القرآن الجزء العاشر التفسیر و المفسرون (مناهج التفسیر)؛ ص ۲۱۵ - ۲۸۲.
۲۲. التفسیر و المفسرون الجزء الثاني، ص ۳۴۷.
۲۳. همان، ص ۳۴۹.

۱۸. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر و المفسرون الجزء الثاني؛ صص ۷ و ۲۱.

۱۹. معرفت، محمد هادی؛ التمهید فی علوم القرآن الجزء العاشر التفسیر و المفسرون (مناهج التفسیر)؛ ص ۳۶.

۲۰. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر و المفسرون الجزء الثاني؛ ص ۲۹ - ۳۱۰.

سپس به معرفی تفسیر ابوالفتح رازی می‌پردازد. وی نام اصلی این تفسیر فارسی، یعنی روح الجنان و روح الحنان را آورده است. این تفسیر را جمال‌الدین ابوالفتح حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی رازی در نیمه اول قرن ششم نوشته است. وی پس از معرفی مؤلف به توضیح مطالبی بدون عنوان مشخص می‌پردازد. جداسازی مطالب با علامت سه ستاره و برخی عبارات به کار رفته در آغاز بند اول هر مطلب، از عنوان فرعی مورد نظری حکایت می‌کند که می‌توان آنها را به این ترتیب در شش عنوان برشمرد: « جایگاه رفیع آن در میان کتاب‌های تفسیر»، «روش او در تفسیر»، «توانایی او در لغت»، «توانایی برتر او در انواع علوم اسلامی»، «یادکرد مسائل اختلافی و تبیین تفصیلی آن» و «امتیازات این تفسیر، تسلط صاحب تفسیر بر تاریخ و سیره شایسته».^{۲۷}

چهارمین تفسیر جامع در نظر نویسنده تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)^{۲۸} است. مؤلف این تفسیر، فخر رازی^{۲۹} است. نویسنده طبق معمول، پس از معرفی مؤلف به بیان روش او در تفسیر می‌پردازد. سپس این پرسش را مطرح می‌کند که: «آیا فخر رازی خود، تفسیرش را کامل کرد یا آن را ناقص گذاشت تا شاگردانش آن را تکمیل کنند؟». ایشان پس از نقل اقوالی مبنی بر اینکه تفسیر فخر رازی تا سوره انبیا بوده، همه را رد کرده و معتقد است فخر رازی خود تفسیرش را به پایان رسانده است. آیت‌الله معرفت معتقد است فخر رازی توجه خاصی به اهل بیت داشته است. وی برای بیان این مطلب عنوانی با نام «عنایت به اهل بیت» اختصاص داده و نمونه‌های متعددی از این توجه خاص را برشمرده است.^{۳۰}

در ادامه، پنج تفسیر جامع دیگر به اجمال معرفی می‌شود. این تفسیرها عبارتند از:

تفسیر بیضاوی (أنوار التنزیل و أسرار التأویل)، نگارش قاضی ناصرالدین ابوالخیر، عبدالله بن عمر بن محمد بن علی بیضاوی شافعی (درگذشته ۶۸۵ق)؛

تفسیر نسفی (مدارک التنزیل و حقائق التأویل)، نوشته‌ی ابی البرکات، عبد الله بن أحمد بن محمود نسفی (درگذشته ۷۰۱ق)؛

۲۷. همان، ص ۳۹۰ - ۴۰۱؛ معرفت، محمد هادی؛ التمهید فی علوم القرآن الجزء العاشر التفسیر و المفسرون (مناهج التفسیر)؛ ص ۳۴۸ - ۳۵۶. همان‌گونه که گفته شد، مؤلف مطالب خود را بدون عنوان فرعی آورده؛ ولی آنها را با سه ستاره از یکدیگر جدا کرده است. نگارنده با استفاده از مطالب آیت‌الله معرفت رحمته، عنوان‌های یاد شده را آورده است. این درحالی است که در کتاب، این عبارات به صورت عنوان فرعی مطرح نشده است.

۲۸. معروف به: تفسیر فخر رازی.

۲۹. فخرالدین محمد بن عمر بن الحسین الرازی، معروف به ابن خطیب (درگذشته ۶۰۶ق).

۳۰. فخر رازی را با لقب «امام المشککین» می‌شناسند. وجه اختصاص این لقب به وی، ذیل عنوانی به همین نام به گونه‌ای نسبتاً تفصیلی توضیح داده شده است. آخرین مطلبی که درباره تفسیر کبیر مطرح شده، «مباحث تافهة» نام دارد. آیت‌الله معرفت در ذیل این عنوان یادآور می‌شود که برخی مطالب بی‌فایده در تفسیر کبیر وجود دارد که گمان می‌رود آوردن آنها هیچ وجهی ندارد، جز اینکه امام رازی آنها را برای سرگرمی و تفریح آورده باشد. (همان، ص ۳۵۶ - ۳۷۵).

الاحکام (مروری بر سیر تفسیر فقهی)» آغاز می‌کند. عنوان‌های فرعی این بحث عبارتند از: ۱. تفسیر فقهی در دوره‌ی نخست؛ ۲. تفسیر فقهی پس از ظهور مذاهب فقهی؛ ۳. نقش تقلید و تعصب مذهبی؛ ۴. بارقه‌های تعصب مذهبی در دوره متأخر؛ ۵. انواع تفسیر فقهی پیرو انواع فرق اسلامی؛ ۶. نتیجه‌گیری تفسیری فقهاء؛ ۷. شمارش آیات احکام؛ ۸. اقسام آیات احکام.^{۲۴} این مطالب در چاپ نخست کتاب و نیز در چاپ نخست ترجمه به چشم نمی‌خورد.

اوزیر عنوان فرعی «مهم‌ترین کتاب‌های آیات الاحکام»، یادآور می‌شود که شاید نخستین کسی که درباره آیات الاحکام دست به تألیف زده، ابونضر محمد بن سائب کلبی (متولد ۱۵۰ق) باشد که رساله‌ای با نام تفسیر خمس مائة آية را نوشته

این مبحث، تفسیر در همه ادوار

پس از عهد رسالت تا کنون را

بررسی کرده و مطالب را در دو

قسمت اصلی سامان داده است.

قسمت نخست: «تفسیر نقلی؛

انواع تفسیر نقلی» و قسمت دوم:

«تفسیر اجتهادی» نام دارد.

فقہ القرآن؛ ۶. احکام القرآن سیوری (کنز العرفان فی فقه القرآن)؛ ۷. الثمرات لیانعة و الأحکام الواضحة القاطعة؛ ۸. زبدة البیان فی احکام القرآن محقق اردبیلی؛ ۹. مسالک الأفهام إلى آیات الأحکام؛ ۱۰. قلائد الدرر فی بیان الأحکام بالأثر؛ ۱۱. آیات الأحکام، سید محمد حسین طباطبائی یزدی.^{۲۵}

مؤلف در ادامه، به بحث «تفسیرهای جامع» می‌پردازد. او تفسیر جامع را سومین نوع تفسیر می‌داند که پس از تفسیر نقلی و تفسیر فقهی پدید آمده است. آن‌گاه برای تبیین این نوع تفسیر، پس از مطالبی کوتاه به معرفی چند تفسیر جامع می‌پردازد. ابتدا کتاب التبیان فی تفسیر القرآن شیخ طوسی^{۲۶} را معرفی می‌کند. در این معرفی نخست مؤلف را معرفی می‌کند. سپس با طرح دو عنوان فرعی «تعریف این تفسیر» و «روش او در تفسیر»، به بیان روش شیخ طوسی در تبیان می‌پردازد.

مجمع البیان فی تفسیر القرآن تألیف ابی علی طبرسی (متولد ۴۸۸ق) دومین کتابی است که گزارش می‌شود. معرفی این کتاب نیز با معرفی مؤلف آغاز می‌شود. سپس با طرح عنوان «روش او در تفسیر»، ساختار تدوین آن را بیان می‌کند. در زیر همین عنوان به بررسی مطالبی که ذهبی درباره مجمع البیان گفته می‌پردازد و به آنها پاسخ می‌دهد.

۲۴. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر و المفسرون الجزء الثاني (الطبعة الثانية)؛ ص ۸۰۵ - ۸۲۴.

۲۵. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر و المفسرون الجزء الثاني (الطبعة الأولى)؛ ص ۳۴۹ - ۳۷۲.

۲۶. ابوجعفر محمد بن علی بن الحسن الطوسی (متولد ۴۶۰ق).

تفسیر ابی سعود (إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم)، نگاشته ابی سعود محمد بن محمد بن مصطفی عمادئ (درگذشته ۹۸۲ق)؛

تفسیر آلوسی (روح المعانی)، تألیف سید محمود أفندی آلوسی بغدادی (درگذشته ۱۲۷۰ق)؛

و تفسیر بلاغی (آلاء الرحمن)، اثر محمد جواد بلاغی نجفی (۱۲۸۲ - ۱۳۵۲ق).

آیت الله معرفت ذیل عنوان «تفاسیر ادبیه»، ابتدا تفسیر کشف را معرفی می‌کند. مؤلف کشف جار الله زمخشری ابوالقاسم محمود بن عمر خوارزمی (۴۶۷ - ۵۳۸ق) است. مؤلف پس از بیانی مختصر درباره این مفسر به دیدگاه‌های وی درباره امکان یا امتناع رؤیت پروردگار می‌پردازد. سپس با طرح سه عنوان «اعتماد علی التأویل و التمثیل: اعتماد او بر تأویل و تمثیل»، «امتهانه بشأن القراء: ناچیز شمردن شأن قاریان» و «تهاجمه علی أهل الحديث: حمله او بر اهل حدیث»، ابعاد مختلف تفسیر و دیدگاه‌های این مفسر معتزلی را بررسی می‌کند. سپس تفسیرهای ذیل را به اختصار معرفی می‌کند:

البحر المحيط، نوشته ائیرالدین محمد بن یوسف بن علی حیانی مشهور به ابی حیان أندلسی غرناطی (۶۵۴ - ۷۵۴ق)؛

معانی القرآن، نوشته ابوزکریا بن زیاد فراء (درگذشته ۲۰۷ق)؛

إملاء ما من به الرحمان من وجود الإعراب و القراءات فی جميع القرآن، نوشته ابوالبقاء عبد الله بن حسین بن عبد الله عکبری (درگذشته ۶۱۶ق).

صاحب التمهید تفسیرهای لغوی را در شمار تفسیرهای اجتهادی می‌داند. وی مفسران تفسیرهای لغوی را در دو قسمت معرفی می‌کند: «مؤلفانی که به تفسیر نکات غریب قرآن پرداخته‌اند»^{۳۱} و «تفسیر متشابهات». او برای هر یک، مفسران متعددی را نام می‌برد.

«تفسیرهای مختصر»^{۳۲} دسته دیگری از تفسیرهای اجتهادی در نظر وی است. وی ذیل این عنوان، هفت تفسیر موجز نام برده و به اختصار معرفی کرده است.

«تفسیر عرفانی صوفی (تفسیر رمزی اشاری)»^{۳۳} نیز در زمره تفسیرهای اجتهادی است. وی بحث در این باره را با طرح یک پرسش آغاز می‌کند که آن را عنوان بحث خود قرار داده است: «من هو العارف و من هو الصوفی؟ عارف کیست و صوفی چه کسی است؟». سپس ذیل عنوان «منبع عرفان الأصفياء» مطالبی درباره منبع دریافت‌های عرفانی

۳۱. المؤلفون فی تفسیر غریب القرآن.

۳۲. تفاسیر موجزة.

۳۳. التفاسیر العرفانی الصوفی (التفسیر الرمزی الإشاری).

بیان کرده است. آن‌گاه به بحث درباره «تأویل عند أرباب القلوب: تأویل نزد اهل دل» می‌پردازد. در این بحث، وی تأویل نزد عارفان را غیر از تأویل نزد باطنیه می‌داند که تأویلات آنها بر مبنای معقولی استوار نیست. او با طرح مطلبی با عنوان «ظاهرة تداعی المعانی: ظهور تداعی معانی»، بسیاری از برداشت‌های عارفانه را صرفاً تداعی معانی می‌داند که نه تفسیر است و نه تأویل. آیت الله معرفت ذیل عنوان «تأویل أو أخذ

بفحوی الآیة العام؛ تأویل یا برداشت

▼ آیت الله معرفت بر این اعتقاد است که تفسیر نقلی در آغاز شکل‌گیری و تا مدتی طولانی مورد توجه عالمان و اهل حدیث بوده است؛ ولی با گسترش تحقیق و اجتهاد درباره ابعاد دین، به تدریج توجه به اهل تحقیق بیشتر شد تا آنجا که تفسیر نقلی کمتر مورد توجه قرار گرفت و حتی برخی از این نوع تفسیر، اعراض کردند.

از معنی عام آیه»، تأویلات اهل تحقیق را برداشت عام از آیه می‌داند که از بطن آن به دست می‌آید. سپس مهم‌ترین اشکال تفسیر صوفیه را با عنوان «ما یؤخذ علی تفاسیر الصوفیة: اشکالات تفسیرهای صوفیه» بررسی می‌کند. در نظری مهم‌ترین اشکال تفسیر صوفیه و اهل عرفان آن است که این تفسیرها بر ذوق و سلیقه‌های شخصی استوار

شده است. ذوق و سلیقه‌هایی که در هر شخص متفاوت بوده و فاقد معیاری عام و فراگیر است. ایشان برای اثبات این ادعا، مثال‌های متعددی از تفسیر قشیری را درباره بسملة یادآور می‌شود. انواع تفسیر صوفی ذیل عنوان «التنوع فی التفسیر الباطنی: دسته‌بندی تفسیر باطنی» بررسی شده که دو نوع است: نظری و فیضی.

صاحب التمهید پس از مباحث یاد شده، به معرفی مهم‌ترین تفسیرهای صوفیه و اهل عرفان با عنوان «مهم‌ترین تفاسیر صوفیه و اهل عرفان» می‌پردازد که عبارتند از:

۱. تفسیر تستری، نوشته ابو محمد سهل بن عبد الله شوشتری (۲۰۰ - ۲۸۳ق)

۲. حقائق التفسیر، نگاشته ابوعبد الرحمان محمد بن حسین بن موسی ازدی سلمی (۳۳۰ - ۴۱۲ق)

۳. لطائف الإشارات، نوشته ابوالقاسم عبد الکرم بن هوازن قشیری نیشابوری (۳۷۶ - ۴۶۵ق)

۴. کشف الأسرار و عدّة الأبرار (تفسیر میبدی) معروف به تفسیر خواجه عبد الله انصاری، اثر ابواسماعیل عبد الله بن محمد بن علی ابن محمد انصاری هروی (۳۹۶ - ۴۸۱ق). اصل تفسیر متعلق به خواجه عبد الله انصاری است که ابوالفضل رشید الدین میبدی آن را شرح و توضیح داده است.

آیت الله معرفت این تفسیر را با تفصیل بیشتری نسبت به دیگر تفسیرها معرفی کرده است. وی روش تفسیری خواجه عبد الله انصاری را این‌گونه بیان می‌کند:

روش او حرکت در سه مرحله بود:

مرحله نخست: تفسیر ظاهری در حد ترجمه ظاهری.

مرحله دوم: بیان معانی، قرائت‌ها و اسباب نزول و نیز بیان احکام و یادآوری روایاتی که به مناسبت آیه وارد شده است.

مرحله سوم: بیان رمزها و اشارات عرفانی و لطائف دقیق و نکات هنرمندانه‌ای که از پرده عبارات گرفته شده و قسمت اصلی تفسیر است.^{۳۴}

معرفی تفسیر میبدی با یادآوری لغات غریبه‌ای که در این تفسیر آمده با عنوان «اللغات الغریبة التي جاءت في هذا التفسير» به پایان می‌رسد.

۵. تفسیر خواجه عبدالله انصاری. این تفسیر که تفسیر ادبی و عرفانی خواجه عبدالله انصاری نام دارد خلاصه کشف الأسرار و عدة الأبرار (تفسیر میبدی) است که حبیب الله آموزگار (۱۳۴۴ - ۱۳۸۵ ش) تلخیص کرده است.

۶. تفسیر ابن عربی، نگارش ابوبکر محی الدین محمد بن علی بن أحمد بن عبدالله حاتمی طائی اندلسی، معروف به ابن عربی (۵۶۰ - ۶۸۳ ق)

آیت الله معرفت پس از معرفی اجمالی ابن عربی، دو عنوان به این شرح را مطرح می‌کند: «آیا ابن عربی دارای تفسیر است؟» و «تفاسیر منسوب به ابن عربی». سپس ذیل عنوان «تعریف این نوع تفسیر» به معرفی آن می‌پردازد. وی این تفسیر را تفسیری رمزی و اشاری می‌داند که به روش صوفیه و عارفان نگاشته و بیش از هر چیز بر نظریه وحدت وجود استوار شده است. از عباراتی که درباره تفسیر ابن عربی به کار برده شده، می‌توان فهمید که صاحب التمهید، نسبت به آن ناخرسند و منتقد است. وی برای اثبات ملاحظات خود درباره تفسیر ابن عربی، نمونه‌های متعددی از برداشت‌های غیرقابل پذیرش وی را یاد آور شده است.

۷. عرائس البیان فی حقائق القرآن، نوشته ابومحمد روزبهان بن ابی نصر البقلی الشیرازی (درگذشته ۶۶۶ ق)

۸. تأویلات نجمیة، نجم الدین ابوبکر عبدالله رازی معروف به دایة (درگذشته ۵۶۴ ق) نگارش این تفسیر را آغاز کرده و پیش از اتمام آن فوت کرده و سپس علاء الدولة أحمد بن محمد سمنانی (درگذشته ۷۳۶ ق) آن را کامل کرده است.

پس از تبیین روش عرفانی در تفسیر و مهم‌ترین تفسیرهای آن، نوبت به تفسیر در رویکرد جدید می‌رسد که با عنوان «تفسیر با رویکردی جدید»^{۳۵} بررسی می‌شود. مؤلف با طرح عنوان «رنگ‌های تفسیر در دوره جدید»^{۳۶} گرایش‌های چهارگانه در تفسیر عصری را برمی‌شمارد. به نظر می‌رسد وی تعبیر «الوان: رنگ‌ها» را به جای گرایش به کار برده

۳۴. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر والمفسرون الجزء الثانی؛ ص ۵۵۴ - ۵۵۵ و التمهید فی علوم القرآن الجزء العاشر التفسیر والمفسرون (مناهج التفسیر)، ص ۴۵۷.

۳۵. التفسیر فی اتجاه عصری.

۳۶. ألوان التفسیر فی العصر الحدیث.

است. گرایش‌های تفسیر عصری عبارتند از: ۱. گرایش علمی؛ ۲. گرایش ادبی اجتماعی؛ ۳. گرایش سیاسی؛ ۴. گرایش عقلی. ایشان دو گرایش اول و دوم را توضیح داده که خلاصه آن به شرح زیر است:

۱. گرایش علمی. اهم کتاب‌های تفسیر با این گرایش عبارتند از: الجواهر المعدنیة، تألیف محمد بن أحمد اسکندرانی (درگذشته ۱۳۰۶ ق)، الجواهر فی تفسیر القرآن، نوشته طنطاوی بن جوهری مصری (درگذشته ۱۳۸۵ ق)، التفسیر الفرید، تألیف محمد عبدالمنعم جمال.

۲. گرایش ادبی اجتماعی. المنار (تفسیر القرآن العظیم)، نوشته محمد عبده (درگذشته ۱۳۲۳ ق) از مهم‌ترین تفسیرهای نگاشته شده در این گرایش است. این تفسیر را رشید رضا شاگرد عبده تکمیل کرد. آیت الله معرفت روش تفسیری المنار را این‌گونه بیان کرده است:

روش تفسیر المنار در بندهایی که می‌آید خلاصه می‌شود:

۱. اسلام دین عقل و منشأ خیر و صلاح اجتماعی است؛

۲. قرآن از عقیده پیروی نمی‌کند، بلکه عقیده از قرآن گرفته می‌شود؛

۳. نبود تعارض میان قرآن و حقایق علمی به دست آمده؛

۴. اعتبار همه قرآن به عنوان واحدی یکپارچه و به هم پیوسته؛

۵. مواظبت در به‌کارگیری آنچه تفسیر نقلی نامیده شده و دوری از قصه‌های اسرائیلی و دروغ؛

۶. غفلت نکردن از وقایع تاریخی و هر آنچه در فهم معانی قرآن کریم اثر دارد؛

۷. به‌کارگیری پی در پی ذوق ادبی در فهم معانی آیات کریمه؛

۸. حل مسائل اجتماعی در اخلاق و رفتار؛

۹. تفسیر قرآن در پرتو علم ثابت و قطعی جدید؛

۱۰. دوری از فرورفتن در امور فراتر از حس و ادراک؛

۱۱. نظریه جالب وی درباره سحر ساحران و به ویژه درباره تأثیر سحر بر شخصیت پیامبر؛

۱۲. موضع‌گیری درست او در برابر روایات اهل حشو، اگرچه روایات برگرفته از کتاب‌های صحاح باشند.^{۳۷}

چهار بند نخست از بندهای یادشده مبانی تفسیری صاحب المنار را نشان می‌دهد و باقی بندها رویکرد وی را بیان کرده است. مؤلف سپس به برخی آرای وی می‌پردازد.

دیگر تفسیرهای مهم جدید با گرایش ادبی اجتماعی عبارتند از: تفسیر القاسمی (محاسن التأویل)، نوشته جمال الدین ابی الفرج محمد بن محمد معروف به قاسمی (درگذشته ۱۳۳۲ ق)، تفسیر مراغی، اثر احمد مصطفی مراغی (درگذشته ۱۳۷۱ ق)، فی ظلال القرآن، نگارش سید بن

۳۷. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر والمفسرون الجزء الثانی؛ ص ۴۵۵ - ۴۵۶ و التمهید فی علوم القرآن الجزء العاشر التفسیر والمفسرون (مناهج التفسیر)، ص ۴۹۶ - ۴۹۷.

یادآور می‌شود که سید جمال‌الدین اسدآبادی رساله پنچریه را در ردّ سید احمدخان و همفکرانش نوشته است.

سپس به بیان «تفسیر بر حسب ترتیب نزول» می‌پردازد. وی درباره این روش تفسیری می‌گوید:

اخیراً نوعی تفسیر ارائه شده که در آن، ترتیب زمانی نزول قرآن رعایت شده است با این گمان که رعایت ترتیب نزول در فهم معانی آیات و پی‌بردن به مقاصد و اهداف نزول هر آیه یا هر سوره، کاملاً مؤثر است.

این نوع تفسیر، بر اساس این باور است که ترتیب کنونی سوره و آیات، برخلاف ترتیب نزول آنهاست و بدین سبب، بسیاری از مفاهیم قرآنی، همچنان در پرده ابهام باقی مانده است و اگر ترتیب نزول رعایت می‌شد، ممکن بود برخی از این نارسایی‌ها وجود نداشته باشد.^{۳۹}

استاد معرفت از ناقدان تفسیر بر حسب ترتیب نزول است و در نقد این روش می‌گوید:

مطلب قابل تذکر این‌که پی‌بردن به ترتیب نزول سوره، کاری آسان و در دسترس است و چنان‌که در بحث از نزول قرآن بیان کرده‌ایم، تاریخ به خوبی آن را ضبط و ثبت کرده است؛^{۴۰} ولی رعایت ترتیب نزول سوره، هیچ‌گونه ارتباطی در فهم معانی آیات قرآن ندارد؛ زیرا همین اندازه که معلوم باشد هر سوره، مکی است یا مدنی، در اوایل بعثت نازل شده یا در اواخر آن، در سال‌های نخست هجرت نازل شده یا اواخر آن و در کجا و درباره چه نازل شده است؟ در فهم معانی آیات سوره مؤثر است؛ چه سوره را در صدر کتاب تفسیری خود قرار دهیم چه در ذیل آن. در صدر و ذیل قرار گرفتن سوره در نوشتار، ربطی به فهم معنا و درک مقاصد آن ندارد. عمده، شناخت موقعیت نزولی سوره است، هر کجای مصحف بوده باشد.^{۴۱}

وی در این باره از سه تفسیر نام می‌برد: نخست: تفسیر بیان المعانی، نوشته عبدالقادر ملاخویش آل غازی که اهل سوریه و در نسب، منتسب به ذریه امام موسی بن جعفر است. دوم: تفسیر الحدیث فی التفسیر، نوشته‌ی عزت‌دروازه است که یکی از فلسطینیان متفکر و مبارز است. سوم: تفسیر پایه پای وحی، نوشته مرحوم مهندس مهدی بازرگان.

استاد معرفت تفسیر الحدیث فی التفسیر را فاقد نوآوری می‌داند و اشکالات متعددی درباره نوشته مهندس بازرگان مطرح می‌کند. وی در نقد مطالب مرحوم بازرگان می‌گوید:

قطب بن‌ابراهیم شاذلی (درگذشته ۱۳۸۶ق)، التحریر و التنویر، تألیف محمد طاهر بن عاشور (۱۲۹۶ - ۱۳۹۳ق)، المیزان فی تفسیر القرآن اثر سید محمد حسین طباطبائی (۱۳۲۱ - ۱۴۰۲ق).

وی مزایای چهارگانه‌ای را برای المیزان برشمرده که به اختصار چنین است: ۱. جمع بین تفسیر موضوعی و ترتیبی؛ ۲. توجه کامل به جنبه وحدت موضوعی سوره‌ها؛ ۳. نظریه «وحدت کلی قرآن» که حاکم بر همه قرآن است؛ بدین معنی که یک روح کلی در تمام آیه‌ها و سوره‌ها جریان دارد؛ ۴. به‌کارگیری روش «تفسیر قرآن به قرآن».

آخرین عنوانی که به تفسیر اجتهادی اختصاص داده شده است، «تفسیر موضوعی» نام دارد. نویسنده ذیل این عنوان به بیان روش تفسیر موضوعی می‌پردازد. وی با بیان مقدمه‌ای خاستگاه تفسیر موضوعی و نیاز به آن را از صدر اسلام می‌داند. سپس ذیل عنوان «رنگ‌های تفسیر موضوعی»، گرایش‌های گوناگون در این تفسیر را بیان کرده است. در بخشی از مطالب خود در این باره می‌گوید:

انواع این تفسیر پرشمار است. از جمله آنها نوعی از تفسیر است که به به مسائل فقهی برداشت شده از قرآن اختصاص یافته، برخی به مسائل کلام یا اخلاق یا سیاست و اجتماع پرداخته‌اند و برخی به مهم‌ترین مسائل مربوط به زندگی امروز و مانند آن اختصاص یافته است.^{۳۸}

وی تفسیر موضوعی را ضروری دانسته و عنوان «تفسیر موضوعی ضروری است» را برای آن گشوده و ذیل عنوان «انواعی از تفسیر موضوعی»، سه‌گانه‌ای را به این شرح برای آن مطرح کرده است:

۱. تفسیر موضوعی مندرج در تفسیر ترتیبی؛
۲. تفسیر موضوعی موجود در آغاز هر بحث اسلامی؛
۳. تفسیر موضوعی مستقل.

همان‌گونه که در آغاز مبحث معرفی و تحلیل گفته شد؛ کتاب تفسیر و مفسران، - ج ۲ که ترجمه التفسیر و المفسرون است، با متن عربی تفاوت‌هایی دارد. از آنجا که ترجمه پس از متن عربی بوده، به طور طبیعی در آن اصلاحات و اضافاتی زیر نظر استاد انجام شده که قابل توجه است. برای مثال، سه عنوان به بخش تفسیر در عصر جدید افزوده شده که عبارتند از:

ج) شیوه سیاسی انحرافی که در ذیل آن به نوشته‌های گروه منافقین که موسوم به مجاهدین خلق بوده‌اند اشاره می‌کند.

د) شیوه عقلی افراطی. وی تفسیر قرآن و هو الهدی و الفرقان نوشته سید احمدخان هندی را در زمره شیوه عقلی افراطی می‌داند و

۳۹. معرفت، محمد هادی؛ تفسیر و مفسران؛ ج ۲، ص ۵۱۹.

۴۰. معرفت، محمد هادی؛ التمهید؛ ج ۱، ص ۱۳۳ به بعد.

۴۱. معرفت، محمد هادی؛ تفسیر و مفسران؛ ج ۲، ص ۵۱۹ - ۵۲۰.

۳۸. معرفت، محمد هادی؛ التمهید فی علوم القرآن الجزء العاشر التفسیر و المفسرون (مناهج التفسیر)؛ ص ۵۲۱.

مفسر را نیز به اختصار معرفی می‌کند. در بسیاری گزارش‌ها عنوان فرعی «منهجه فی التفسیر: روش او در تفسیر»، در برخی «نزعته الفکرية: خاستگاه فکری او» و در موارد اندکی برخی عنوان‌های دیگر مانند «فرائد تفرّد بها: نظریات خاصّ وی» مطرح شده است. به این ترتیب همه معرفی‌ها یکسان نیست. هر تفسیر در کم‌تر از یک صفحه معرفی شده؛ ولی برخی تفسیرها با تفصیل بیشتری معرفی شده است؛ برای مثال، تفسیر جامع البیان طبری بیش از دوازده صفحه را به خود اختصاص داده است. وی در این معرفی، مباحث «پرتوی از این تفسیر و منابع آن»، «روش او در تفسیر و نقد آرا»، «موضوع‌گیری او در مقابل اهل رأی در تفسیر»، «موضوع او در برابر اهل ظاهر» و «جایگاه ولایت او برای اهل بیت» را مطرح کرده است. لازم است درباره برخی تفاسیر مهم بیش از دیگر تفسیرها توضیح داده شود؛ در حالی که می‌تواند ساختار و شاکله بحث یکسان بوده و به همه پرسش‌های مربوط به روش‌شناسی هر تفسیر پاسخ دهد.

ممکن است در پاسخ به این اشکال گفته شود: اگر مؤلف به این مطالب نپرداخته به دو دلیل است: نخست آنکه تفسیر مورد نظر فاقد ابعاد مختلف بوده و مؤلف صرفاً به بیان آنچه تفسیر داشته، بسنده کرده است. دوم آنکه مؤلفه‌های مورد نظر در برخی تفسیرهای معرفی شده، قابل توجه نبوده تا نویسنده به آنها بپردازد.

پاسخ آن است که وقتی در پی روش‌شناسی تفاسیر هستیم، مؤلفه‌های مشخصی در نظر داریم که بررسی وجود یا فقدان هر یک از مؤلفه‌ها در روش‌شناسی هر تفسیر اهمیت دارد. بدین معنی که اگر مؤلفه مورد نظر در روش یک تفسیر وجود دارد، لازم است به آن تصریح شده و توضیح داده شود. همچنین اگر روش یک تفسیر فاقد یک یا چند مؤلفه روشی باشد، لازم است به آن توجه شود و فقدان آن توضیح داده شود. به این ترتیب، از منظومه‌ای نسبتاً دقیق در بیان روش هر تفسیر برخوردار خواهیم شد که می‌تواند به همه پرسش‌های مهم درباره روش‌شناسی آن پاسخ دهد.

پیشنهاد

برای رفع اشکال یادشده سه پیشنهاد قابل طرح است:

۱. شناسایی و تعیین مؤلفه‌های مورد نیاز برای معرفی کامل هر تفسیر، دستیابی به مؤلفه‌های مورد نیاز برای معرفی یکسان و کامل تفاسیر، نیازمند طرح مجموعه پرسش‌های لازم برای شناسایی هر تفسیر است. پس از فراهم شدن این مجموعه، پرسش‌ها دسته‌بندی شده و با استفاده از آن مؤلفه‌های مورد نیاز برای معرفی کامل هر تفسیر به دست می‌آید.

۲. طراحی یک شناسه معین و ثابت برای معرفی همه تفاسیر با استفاده از مؤلفه‌های یادشده

تمام این دسته‌بندی‌ها و نمودارهای سیر تحوّل و نزول قرآن، بر پایه‌ای سست نهاده شده و از دایره حدس و گمان فراتر نرفته است. عمده آنکه نویسنده، مبنای کار خود را بر جدولی نهاده است که اساساً فاقد اعتبار است و تنها نموداری مجهول الهویّه است که در دوران قاجار، در پایان ضمیمه کشف المطالب قرآن به چاپ رسیده و معلوم نیست تنظیم‌کننده آن کیست و از کجا به دست آمده است و احتمالاً کار یکی از قرآن‌پژوهان غربی زمان قاجار باشد. هرچه هست، مشحون از اغلاط و اشتباهات علمی و تاریخی است و معلوم می‌شود که تنظیم‌کننده آن در مسائل قرآنی ناآگاه بوده است.

استاد در پایان مطالب انتقادی خود درباره کتاب مرحوم بازرگان می‌گوید:

البته ما نمی‌خواهیم که از ارزش کار مهندس بازرگان بکاهیم. نوع کار با ارزش است و شناخت موقعیت و شرایط نزول هر آیه، کمک مؤثری در فهم محتوای آیه و پی‌بردن به اهداف و مقاصد عالیّه آن است؛ ولی این چیزی است که با رجوع به اسباب النزول که از طریق صحیح و معتبر رسیده باشد، به دست می‌آید و راه رسیدن به آن، از قرائن و شواهد تاریخی و حدیثی برای پویندگان کوشا، باز است و برای دستیابی به آن، به این‌گونه تکلفات و ترسیم منحنی‌های فرضی نیازی نیست.

بررسی

امروز آثار آیت‌الله معرفت در زمره منابع ارزشمند علوم قرآنی در حوزه و دانشگاه است. بازنگری این آثار، زمینه تکمیل هرچه بیشتر ساختار و محتوای آن را فراهم می‌کند.

از آنجا که پس از ایشان شاگردان برجسته این عالم فقید، تکمیل و به فرجام رساندن کارهای نیمه‌تمام ایشان را در دستور کار قرار داده‌اند، می‌توان امیدوار بود که آنان بتوانند آثار ارزشمند استاد را در فرصت مناسب بازنگری کرده و با تکمیل ساختار و محتوا، این آثار را به‌گونه‌ای غنی‌تر و مناسب‌تر ارائه نمایند. با این امید و به منظور بهبود آثار این دانشمند علوم قرآنی، ملاحظات و پیشنهادهای ذیل قابل طرح است.

در این نوشتار، موضوع سخن تنها مربوط به روش‌شناسی تفسیر است و اشکالات و ایرایشی یا ساختاری و محتوایی دیگر هدف این بررسی نیست.

الف) همسان‌نبودن ساختار معرفی تفسیرها

آیت‌الله معرفت در معرفی معروف‌ترین تفسیرهای نقلی سی تفسیر را معرفی می‌کند.^{۴۲} وی در این معرفی، افزون بر معرفی اجمالی تفسیر،

۱. تعیین مؤلفه‌های اساسی شکل دهنده روش‌های تفسیر برای مثال مؤلفه‌هایی مانند ۱. مبانی تفسیر؛ ۲. منابع تفسیر؛ ۳. گرایش تفسیری؛ ۴. اصول وقواعد؛ ۵. فرایند و سبک بیان؛ ۶. ویژگی‌ها می‌توانند مؤلفه‌های اساسی شکل دهنده در هر روش تفسیر باشند.

۲. طراحی ساختاری مشخص با استفاده از مؤلفه‌های اساسی

۳. بیان هر روش تفسیر به طور یکسان در قالب ساختار طراحی شده تکمیل و ترمیم مطالبی که در مبحث «منهجه التفسیریه» آمده، می‌تواند این اثر را به تألیفی نمونه در این زمینه تبدیل کند.

ج) ناهماهنگی در بیان انواع تفسیر اجتهادی

ذیل عنوان «تنوع تفسیر اجتهادی» در کتاب التفسیر و المفسرون در جلد دوم نُه قسم تفسیر اجتهادی بیان شده است. فینقسم التفسیر الاجتهادی إلى: أدبی، وفقهی، وکلامی، و فلسفی، و عرفانی رمزی، و صوفی‌اشاری، واجتماعی، و علمی، و جامع.^{۴۳}

ذیل عنوان «تنوع تفسیر اجتهادی» در کتاب تفسیر و مفسران در جلد دوم که ترجمه کتاب یادشده است همان تقسیم رعایت شده و از نه تفسیر نام برده شده است.

براین اساس، تفسیر اجتهادی به این موارد تقسیم می‌شود: ادبی، فقهی، کلامی، فلسفی، عرفانی رمزی، صوفی‌اشاری، اجتماعی، علمی و جامع.^{۴۴}

در متن و هنگام توضیح انواع تفاسیر اجتهادی در کتاب التفسیر و المفسرون در جلد دوم هفت عنوان ذکر شده است.

التفسیر الفقهي (آیات الأحكام)، التفاسیر الجامعة، التفسیر فی العصر الحدیث، تفاسیر أدبیه، تفاسیر لغویة، التفاسیر الموجزة، تفاسیر عرفانیة (التفسیر الرمزی و الإشاری)^{۴۵}

در فهرستی که در ابتدای بخش دوم (النمط الثاني) کتاب التمهید فی علوم القرآن الجزء العاشر التفسیر و المفسرون (مناهج التفسیر)، ذیل عنوان «التفسیر الاجتهادی» آمده، انواع تفسیر اجتهادی هشت نوع آمده است:

۱. التفسیر الفقهي (آیات الأحكام)؛

۲. التفاسیر الجامعة؛

برای مثال، ایشان در خلال بحث به این مؤلفه‌ها توجه کرده است: ۱. زندگی‌نامه مؤلف؛ ۲. خاستگاه فکری؛ ۳. کلیاتی پیرامون تفسیری؛ ۴. منابعی که به کار برده؛ ۵. روش او؛ ۶. موضع‌گیری او در مقابل أهل رأی؛ ۷. موضع‌گیری او در مقابل أهل ظاهر؛ ۸. جایگاه او نسبت به ولایت اهل بیت؛ ۹. آرای اختصاصی وی. اگر بیان همین مؤلفه‌های نه‌گانه در گزارش و معرفی همه تفسیرها رعایت شود، مجموعه‌ای هماهنگ و یکپارچه را فراهم می‌کند که به پرسش‌های متعددی درباره هر تفسیر پاسخ خواهد داد.

۳. تبیین همه مؤلفه‌های تعیین‌شده در هر تفسیر

به این ترتیب می‌توان امیدوار بود که همه مؤلفه‌های مهم در معرفی هر تفسیر بررسی و تبیین می‌شود. در این صورت همه کتاب‌های تفسیری به طور یکسان معرفی شده و به صورت مرجعی کامل برای شناخت تفسیرهای نقلی در خواهد آمد. اگرچه ممکن است توضیحات ذیل مؤلفه‌های مورد نظر به یک اندازه نباشد، با این حال ساختار واحد و در نظر گرفتن همه پرسش‌های مورد نیاز در هر تفسیر سبب اجرای الگویی واحد در تدوین معرفی هر تفسیر خواهد شد.

ب) محدود شدن تبیین روش هر تفسیر به ساختار تدوین و ویژگی‌هایی در محتوا

نکته قابل توجه دیگر آن است که آیت‌الله معرفت در بیان روش تفسیری هر کتاب تفسیری اعم از تفسیرهای نقلی یا اجتهادی، بیش از هر چیز به ساختار بیان تفسیر در کتاب و ویژگی‌های محتوای آن بسنده کرده است. به این ترتیب وی در بیان روش تفسیر هر کتاب به مبانی، اصول و فرایند فهم و تفسیر مؤلف نپرداخته، بلکه صرفاً نتیجه نهایی را وصف کرده است. افزون بر این، مؤلفه‌های در نظر گرفته شده برای بیان روش هر تفسیر نیز یکسان و برخوردار از ساختاری ثابت و دارای همه مؤلفه‌های اساسی نیست.

بنابراین، این‌گونه بیان کردن روش تفسیری نمی‌تواند انتظارات ما از روش‌شناسی تفسیر را تأمین کند. اصولاً خلاصه کردن معنی «روش تفسیری» در ساختار تدوین تفسیر و ویژگی محتوا قابل تأمل است. به نظر نگارنده، مفهوم روش تفسیر دست‌کم در بردارنده عناصری مانند مبانی، منابع، گرایش، اصول و قواعد، فرایند و سبک بیان و ویژگی‌های هر تفسیر است. اگر از تبیین هر یک از موارد یادشده در بیان روش تفسیر غفلت شود، تبیین روش تفسیر به طور کامل انجام نشده و فقط بخشی از آن تبیین شده است.

پیشنهاد

مناسب است روش‌شناسی هر کتاب تفسیری به گونه‌ای جامع‌ترو مفیدتر از آنچه هست، تبیین شود. برای کامل‌تر شدن تبیین روش هر تفسیر پیشنهاد می‌شود:

۴۳. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر و المفسرون الجزء الثاني؛ ص ۳۵۳.

۴۴. معرفت، محمد هادی؛ تفسیر و مفسران جلد دوم؛ ص ۲۲۸. ظاهراً به اشکال شمار انواع تفسیر اجتهادی در ترجمه کتاب، یعنی در تفسیر و مفسران جلد دوم، توجه شده و با حذف نوع «صوفی‌اشاری» شمار آن در این کتاب هشت نوع ذکر شده است. (تفسیر و مفسران جلد دوم؛ ص ۲۲۸). با این حال در جلد دهم التمهید فی علوم القرآن اشکال کماکان باقی است. (التمهید فی علوم القرآن الجزء العاشر التفسیر و المفسرون (مناهج التفسیر)؛ ص ۲۸۱).

۴۵. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر و المفسرون الجزء الثاني؛ ص ۳۵۴ - ۵۲۶.

با استفاده از جدول و مقایسه انواع تفسیر اجتهادی مطرح شده در بیانات جلد دهم التمهید که آخرین نسخه منتشر شده است، تفاوت یاد شده به وضوح مشاهده خواهد شد. در این جدول، فهرست ارائه شده در کتاب، در ستون نخست درج شده است؛ در ستون دوم انواع تفسیر که با عنوان «تنوع التفسیر» از آن یاد شده با نام «انواع بیان شده» درج شده است. سپس انواع تفسیرهایی که تبویب و توضیح داده شده است در ستون سوم با نام «توضیح داده شده»، درج گردیده است. برای فراهم کردن زمینه مقایسه، ستون نخست اصل در نظر گرفته شده و دیگر انواع بیان شده با آن مقایسه می شود. برای نشان دادن تفاوت ترتیب روش ها، شماره ترتیب آن در بیان آیت الله معرفت ذکر شده است.

توضیح داده شده	تنوع التفسیر	فهرست	شماره
التفسیر الفقہی لآیات الأحکام (لمحة عن نظور التفسیر الفقہی) (۱)	فقہی (۲)	التفسیر الفقہی (آیات الأحکام)	۱
التفاسیر الجامعة (۲)	جامع (۱۰)	التفاسیر الجامعة	۲
		التفسیر فی العصر الحدیث	۳
تفاسیر أدبية (۳)	أدبی (۱)	التفاسیر الأدبية	۴
تفاسیر لغویة (۴)		التفاسیر اللغویة	۵
تفاسیر موجزة (۵)		التفاسیر الموجزة	۶
التفسیر العرفانی الصوفی (التفسیر الرمزی الإشاری) (۶)	عرفانی (۵)، رمزی (۶)، صوفی إشاری (۷)	التفاسیر العرفانیة (التفسیر الرمزی و الإرشادی)	۷
التفسیر فی اتّجاه عصری (۷)		التفسیر فی اتّجاه عصری	۸
	کلامی (۳)		۹
	فلسفی (۴)		۱۰
	اجتماعی (۸)		۱۱
	علمی (۹)		۱۲
التفسیر الموضوعی (۸)			۱۳

اکنون به راحتی می توان مشاهده کرد که اقسام هشت گانه فهرست در صفحه ۲۸۳ و انواع ده گانه یاد شده در ذیل تنوع تفسیر و تفاسیر هشت گانه ای که توضیح داده شده، در ترتیب، تعداد و نام ها با یکدیگر متفاوت هستند. همچنین به نظر می رسد دو عنوان «التفسیر فی العصر الحدیث» و «التفسیر فی اتّجاه عصری» در فهرست تکراری

۳. التفسیر فی العصر الحدیث؛

۴. التفاسیر الأدبية؛

۵. التفاسیر اللغویة؛

۶. التفاسیر الموجزة؛

۷. التفاسیر العرفانیة (التفسیر الرمزی و الإشاری)؛

۸. التفسیر فی اتّجاه عصری.^{۴۶}

ذیل عنوان «تنوع تفسیر اجتهادی» در این کتاب، انواع تفسیر اجتهادی این گونه آمده است:

أدبی، فقہی، کلامی، فلسفی، عرفانی رمزی، صوفی إشاری، اجتماعی، علمی و جامع.^{۴۷}

در این شمارش، تفاسیر عرفانی رمزی از تفاسیر صوفی اشاری تفکیک شده است. به این ترتیب تعداد تفاسیر اجتهادی نه تفسیر خواهد بود.

مؤلف عنوان های مربوط به انواع تفسیر اجتهادی را در متن و به هنگام توضیح هر یک از آنها این گونه آورده است:

التفسیر الفقہی لآیات الأحکام (لمحة عن تطور التفسیر الفقہی)، التفاسیر الجامعة، تفاسیر أدبية، تفاسیر لغویة، تفاسیر موجزة، التفسیر العرفانی الصوفی (التفسیر الرمزی الإشاری)، التفسیر فی اتّجاه عصری، التفسیر الموضوعی.^{۴۸}

در عنوان ها هشت تفسیر اجتهادی توضیح داده می شود. این بدان دلیل است که تفسیر عرفانی همان تفسیر صوفی و معادل تفسیر رمزی اشاری دانسته شده است. تا اینجا تعابیر متفاوتی درباره تفسیر عرفانی و صوفی به کار برده شد. این تعابیر عبارتند از:

۱. تفسیر عرفانی؛

۲. تفسیر عرفانی رمزی؛

۳. تفسیر صوفی؛

۴. تفسیر صوفی اشاری؛

۵. تفسیر عرفانی صوفی (تفسیر رمزی اشاری).

تعبیر درست همان تعبیر پنجم؛ یعنی «تفسیر عرفانی صوفی (تفسیر رمزی اشاری)» است. ظاهراً تفاوت موجود در به کارگیری این تعابیر در هر کتاب یا در هر سه آنها به دلیل غفلت در ویرایش بوده است. از این رو می توان به آخرین چاپ تکیه کرد. در چاپ آخرین عنوان هایی که ذیل آن توضیح داده شده، معتبر است نه آنچه به اجمال ذکر شده است. به این ترتیب مشکل حل می شود، با این حال اختلاف در تعابیر کماکان موجود است.

۴۶. همان، ص ۲۸۳.

۴۷. معرفت، محمد هادی؛ التمهید فی علوم القرآن الجزء العاشر التفسیر و المفسرون (مناهج التفسیر)؛ ص ۲۸۸.

۴۸. همان، ص ۲۸۹ - ۵۲۷.

جدیدی داشته که مطالعه آن برای علاقمندان لازم و الهام بخش خواهد بود. از این رو شایسته است شاگردان آن استاد گرانقدر به جبران این نقص اقدام کنند. یعنی زمینه معرفی کتاب های آیات الاحکام در دو قرن اخیر را نیز فراهم کنند تا مخاطب بتواند تاریخ تطور تفسیر اجتهادی در حوزه تفسیر فقهی را که از همان قرن نخست شکل گرفته تا کنون دنبال کرده و تطور آن را مشاهده کند.

کتابنامه

۱. خوئی، سید ابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الثالثة، ۱۳۹۴ق/ ۱۹۷۴ م.
۲. خوئی، سید ابوالقاسم؛ بیان در علوم و مسائل کلی قرآن؛ ترجمه محمد صادق نجمی، هاشم هاشم زاده هریسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۲.
۳. معرفة، محمد هادی؛ التفسیر و المفسرون؛ الجزء الثاني، مشهد: الجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية، الطبعة الثانية، ۱۴۱۹ق/ ۱۹۹۸ م.
۴. معرفة، محمد هادی؛ التفسیر و المفسرون؛ مشهد: الجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية، الطبعة الأولى، ۱۴۱۸ق/ ۱۹۹۷ م.
۵. معرفة، محمد هادی؛ التمهید فی علوم القرآن الجزء الأول؛ قم: مؤسسه التمهید، الطبعة الأولى، ۱۳۸۶ش، ۱۴۲۸ق/ ۲۰۰۷ م.
۶. معرفة، محمد هادی؛ التمهید فی علوم القرآن الجزء التاسع؛ قم: مؤسسه التمهید، الطبعة الأولى، ۱۳۸۶ش، ۱۴۲۸ق/ ۲۰۰۷ م.
۷. معرفة، محمد هادی؛ التمهید فی علوم القرآن الجزء العاشر؛ قم: مؤسسه التمهید، الطبعة الأولى، ۱۳۸۶ش، ۱۴۲۸ق/ ۲۰۰۷ م.
۸. معرفة، محمد هادی؛ تفسیر و مفسران؛ ترجمه علی خیاط، علی نصیری، ۲، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
۹. نصیری، علی؛ معرفت قرآنی؛ یادنگار آیت الله محمد هادی معرفت (ره)؛ قم: بی جا، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.

بوده و مقصود از آن یکی بیش نیست. آنچه یکی بودن این دو عنوان را تأیید می کند، آن است که ما به ازای هر یک به طور جداگانه توضیح داده نشده است. نویسنده در قسمت توضیح انواع تفسیر، عنوان «التفسیر فی اتجاه عصری» را توضیح داده است. نکته دیگر اینکه در توضیحات، عنوانی با نام «التفسیر الموضوعی» آمده و درباره آن توضیح داده شده که نه در فهرست و نه ذیل «تنوع التفسیر الاجتهادی» نامی از آن برده نشده است.

با اینکه آنچه توضیح داده شده است، هشت نوع بیشتر نیست، مجموع عنوان های ذکر شده با حذف موارد تکراری به سیزده قسم می رسد. این بدان معنی است که با تنقیح عنوان های مطرح شده، پنج عنوان کنار گذاشته شده است.

البته متداخل بودن اقسام و نیز متداخل بودن آنها با تفسیر نقلی نیز از نکات قابل توجه است؛ برای مثال تفسیر، می تواند در حالی که جامع است، نقلی یا اجتهادی باشد. همچنین است اگر موجز باشد؛ بدین معنی که تفسیر می تواند موجز باشد و نقلی یا اجتهادی نیز باشد؛ بنابراین می توان عنوان های مرکزی نیز از انواع تفسیرهای اجتهادی انتزاع کرد که به آن اشاره نشده است.

پیشنهاد

باید اذعان کرد که روش شناسی تفسیر در علوم قرآنی مبحثی جدید است. این دانش با وجود رشد روزافزون در دهه های اخیر، هنوز تا رسیدن به کمال راه طولانی ای در پیش دارد. از جمله مطالب بایسته بازنگری، اصلاح و تکمیل در روش شناسی تفسیر، ساماندهی مبادی تصویری، اصطلاحات و اقسام آن است.

از این رو پیشنهاد می شود در ویرایش های بعدی کتاب، ضمن توضیح مطالب یاد شده، همان اقسام و تعابیر هشت گانه در فهرست و ذیل عنوان «تنوع التفسیر الاجتهادی» بیاید که در متن توضیح داده شده است. به این ترتیب عنوان های سیزده گانه موجود در همان هشت عنوان به صورت یکسان تثبیت خواهد شد.

د) کاستی در معرفی آیات الاحکام در دو قرن اخیر

آیت الله معرفت کتاب های آیات الاحکام را به ترتیب تاریخ از قرن اول تا دوازدهم معرفی کرده است. وی اگرچه تصریح می کند که تدوین تفسیر فقهی تا کنون ادامه داشته و نام یکی از نویسندگان را نیز آورده؛ ولی نامی از کتاب او نبرده است. همچنین دیگر کتاب های فقهی یا آیات الاحکام تدوین شده از قرن سیزدهم به بعد را نیز گزارش نکرده است.

پیشنهاد

بی تردید فقه پژوهی قرآن کریم و توجه به آیات الاحکام، به دلیل گسترش انتظار از قرآن در دو قرن اخیر و به ویژه در قرن چهاردهم دستاوردهای